

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه معرفت

(نشریه علمی فلسفه و کلام اسلامی)
سال بیست و یکم، شماره ۶۹ / زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز:
دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده الهیات و ادیان

مدیر مسئول:
دکتر حسن سعیدی

سر دبیر:
دکتر نصراله حکمت

مدیر داخلی:
دکتر زکریا بهارنژاد

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سیدعلی اکبر افجه‌ای (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر رضا اکبریان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محسن جوادی (استاد دانشگاه قم)، آیت الله دکتر سیدحسن سعادت مصطفوی (دانشیار دانشگاه امام صادق)، دکتر حسن سعیدی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محمدعلی شیخ (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر منوچهر صانعی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) دکتر قربان علمی (دانشیار دانشگاه تهران)

همکاران علمی این شماره به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی، دکتر حسین اترک، دکتر عباس احمدوند، دکتر خدا بخش اسدالهی، دکتر مسعود اسمعیلی، دکتر محمد رضا بیات، دکتر زکریا بهارنژاد، دکتر مسعود حاجی ربیع، دکتر نصراله حکمت، دکتر عین‌اله خادمی، دکتر حسن سعیدی، دکتر سید محمد اسماعیل سیدهاشمی، دکتر عباس شیخ شعاعی، دکتر حسین عشاقی، دکتر علی کربلایی پازکی، دکتر حسین مقیسه، دکتر ابراهیم نوئی، دکتر اصغر واعظی

مترجم چکیده‌ها:

دکتر محمد رضا عنانی سراب

ویراستار:
فروغ کاظمی

صفحه‌آرا:
مریم میرزایی

کارشناس:
حسین مقیسه (صادقی)

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، دفتر نشریه کد پستی: ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱

www.scj.sbu.ac.ir
E-Mail: ayenehmarefat@sbu.ac.ir

تلفکس: ۲۲۴۳۱۷۸۵ تلفن: ۲۹۹۰۵۶۹۴
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه شهید بهشتی

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ طی نامه ۲۰۵۱۳۹/۳/۱۸ رتبه علمی پژوهشی نشریه آئینه معرفت توسط کمیسیون نشریات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری تمدید اعتبار شده است.

دسترسی به مقالات این نشریه آزاد است.
نشریه علمی آئینه معرفت در سایت زیر به طور تمام متن قابل بازیابی است:

www.ISC.gov.ir
www.SCJ.sbu.ac.ir
www.Magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
پایگاه نشر دانش (پند)
بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)

شروع انتشار: زمستان ۱۳۸۲
سال نشر: ۱۴۰۰
قیمت تک شماره: ۲۵۰۰۰ تومان

توجه: مسئولیت مطالب و نظریات مطرح شده در مقاله‌های این نشریه علمی بر عهده نویسندگان آن است و چاپ آنها به معنای تأیید آنها نیست.

۱. راهنمای نگارش مقالات

- مشخصات نویسنده: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و سازمان متبوع صاحب اثر (مؤلف / مترجم)، نشانی دقیق پستی و الکترونیکی و تلفن تماس در پایان مقاله آورده شود.
- تصمیم گیری در مورد چاپ مقاله ها توسط هیئت تحریریه و دو داور متخصص در بازه زمانی ۵ ماه صورت می پذیرد.
- مقاله در نشریه دیگر چاپ نشده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
- در مقاله هایی که بیش از یک مؤلف دارد باید نویسنده مسئول مشخص شود و مقاله های دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی با معرفی استاد راهنما برای داوری ارسال خواهد شد.
- مسئولیت مطالب مندرج در مقاله ها بر عهده نویسنده (یا نویسندگان) است.

۲. ساختار مقاله و روش نوشتن آن

- عنوان مقاله ناظر بر موضوع تحقیق، کوتاه و رسا باشد.
- چکیده؛ حدود ۲۰۰-۱۵۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شود و دربردارنده شرح کوتاه و جامع محتوای نوشتار باشد، شامل: بیان مسئله؛ هدف؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.
- مقاله های ارسالی مرتبط با زمینه های تخصصی فلسفه و کلام اسلامی به زبان فارسی، پذیرفته می شود.
- مقاله ها در کادر مشخص شده مجله (راست، چپ و پایین ۴/۵ سانتیمتر و بالا ۶ سانتیمتر) و قلم زر ۱۳، حداکثر ۲۵ صفحه - تنظیم شود.
- دریافت مقاله فقط از طریق سامانه پند، سامانه مدیریت نشر به آدرس www.jipt.sbu.ac.ir امکان پذیر است.

۳. فهرست منابع و مآخذ

کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح و غیره، محل نشر، نام ناشر، سال نشر.

مقاله:

الف) چاپ شده در مجموعه یا دایرةالمعارف :

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، عنوان مجموعه یا دایرةالمعارف، اهتمام کننده، محل نشر، نام ناشر، سال نشر، صفحه ها.

ب) چاپ شده در مجلات:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام مجله، دوره یا جلد، شماره (فصل / ماه و سال)، صفحه‌ها.

ج) چاپ شده در روزنامه:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام روزنامه، شماره (روز و ماه و سال)، صفحه.

پایان نامه و منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، آدرس اینترنتی، تاریخ

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود از ارسال مقالاتی که مطابق شیوه‌نامه نیست، خودداری فرمایند؛ صرفاً مقالاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته شده باشند.

فهرست مطالب

۷	فایده‌مندی تقسیم مشهور علم به بدیهی و نظری در منطق تصدیقات، مجتبی قربانی همدانی
۹	جستاری دربارهٔ قوهٔ واهمه از نظر ابن سینا، غلامحسین عمادزاده
۱۱	برهان شهود مثل بر اتحاد عاقل و معقول در دیدگاه حکیم سبزواری با رویکرد تبیینی و پاسخ به ایرادها، محمدرضا ارشادی‌نیا
۱۳	بررسی سه تقریر نوصدرایی از تبیین ملاصدرا در خصوص نفی شریک از خداوند حسن احمدی زاده
۱۵	نقد و بررسی اتهام مستشرقان نسبت به خشونت طلبی اسلام و عدم مدارا با پیروان دیگر ادیان (اهل کتاب) متناظر با موضوع جهاد در اسلام، سیدعلی شایگان - حسن سعیدی
۱۹	تأثیر مبانی کلامی در حل مسئله تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد محمدحسین فاریاب
۲۱	بررسی و نقد آراء آیت الله سبحانی در مورد حقیقت عبادت سید احمدهاشمی علی آبادی - محمدجواد حسن زاده
Usefulness of the Famous Division of Science into Obvious and Theoretical in Logic 8 of Affirmations, Mojtaba Ghorbani Hamedani	
10	A Study of Estimative Faculty from Avicenna's Perspective, Gholamhossein Emadzadeh
12	The Intuition Argument for the Unity of Intelligence and Intelligible from Hakim Sabzevari's Point of View with an Explanatory Approach and Response to Objections, Mohammadreza Ershadinia
14	Three Neo-Sadrian Interpretations of Mulla Sadra's Delineation of Negation of Associating any Partner with God, Hasan Ahmadizade
17	Critique of Orientalists' Accusations of Violence and Intolerance toward Followers of other Religions (People of the Book) in Islam with Reference to the Concept of Jihad , Sayed Ali Shaygan - Hasan Saeedi
20	The Impact of Theological Foundations on the Question of whether Shari'ah Laws Should Follow or Not Follow the Considerations of Common Good and Depravity, Mohammad Hosein Faryab
22	A Critical Study of Ayatollah Sobhani's Views on the Nature of Worship Seyed Ahmad Hashemi Aliabadi- Mohammad Javad Hassanzadeh Meshkan

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۴۰۰

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۲۹

صفحات: ۲۲-۱

Doi: 10.52547/jipt.2022.225723.1229

فایده‌مندی تقسیم مشهور علم به بدیهی و نظری در منطق تصدیقات

مجتبی قربانی همدانی *

چکیده

غالب منطق‌دانان مسلمان، علم حصولی را با ملاک فکر به بدیهی و نظری تقسیم می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی مفید بودن این تقسیم در منطق تصدیقات است. فایده اصلی این تقسیم با غرض رسیدن به حقیقت در دانش منطق، نشان دادن نیاز به منطق در گذر از گزاره‌های بدیهی به گزاره‌های نظری است؛ اما در بدیهیات به دلیل یقینی بودنشان، نیازی به این دانش نیست. با تحلیل فکر و قضایای مختلف بدیهی به این نتیجه می‌رسیم که «بدهت» نمی‌تواند عامل یقینی بودن تصدیق باشد چرا که برخی بدیهیات افراد دیگر از نظر ما کاذب است. یقینی بودن هر کدام از بدیهیات به عاملی غیر از بدهت آن‌ها مربوط است. هر چند همه بدیهیات ما برای خودمان یقینی است اما در سنجش افکار دیگران به عامل تصدیق شخص مقابل توجه نداریم و استدلال او را از حیث قواعد صوری و مادی استدلال، بررسی می‌کنیم. فکر در هیچ مبحثی در منطق به جز تقسیم علم به بدیهی و نظری مورد بحث واقع نشده و این شاهی بر مفید نبودن این تقسیم است. تقسیم جایگزین، با ملاک وجود یا عدم وجود استدلال، علم را به مبنایی و بنایی تقسیم می‌کند. بررسی صحت استدلال در تصدیق‌های بنایی، در دانش منطق صورت می‌گیرد. منطق تصدیقات، علم خطایابی در استدلال است نه فکر.

کلیدواژه‌ها: تعریف منطق، بدیهی، نظری، فکر، مبنایابی.

Usefulness of the Famous Division of Science into Obvious and Theoretical in Logic of Affirmations

Mojtaba Ghorbani Hamedani*

Abstract

Most Muslim logicians divide the acquired science into the obvious and theoretical with the criterion of thought. The purpose of this study is to investigate the usefulness of this division in the logic of affirmations. The main benefit of this division, with the aim of finding out the truth in the science of logic, is to show the need to the science of logic in moving from the obvious propositions to theoretical ones; but in relation to the obvious immediate perceptions, because of their being certain, there is no need for this science. Analyzing the thought and various obvious propositions, we can conclude that "obviousness" cannot be a factor in the certainty of affirmation, because some of other people's immediate perceptions are false in our view. The certainty of each immediate perception is related to factors other than their being obvious. Although all our immediate perceptions are certain for us, we do not pay attention to the other people's acknowledgment factor in evaluating their thoughts. We examine their arguments in terms of the formal and material rules of reasoning. The thought is not discussed anywhere in the science of logic except in the division of science into the obvious and the theoretical, and this is a proof of the uselessness of this division. An alternative division, based on the existence or absence of argument, divide science into sub-structural and super-structural. The validity of the argument in super-structural affirmations is checked in the science of logic. The logic of affirmations is the science of error detection in reasoning, not thought.

Key Terms: *definition of Logic, obvious, theoretical, thought, foundationalism.*

* Qom University

ghorbani2716@gmail.com

Reception date: 400/3/10

Acceptance date: 400/11/10

جستاری درباره قوه واهمه از نظر ابن سینا

غلامحسین عمادزاده *

چکیده

ابن سینا موضوع نفس و مباحث آن را سرلوحه پیگیری‌های فلسفی خود قرار داده و تبیین‌های فلسفی او در این مباحث به شیوه‌ای است که متفکران پس از او نتوانند بدون توجه به نظریات وی مسائل و مباحث نفس را بررسی کنند. یکی از موضوع‌های که در این میدان به تفصیل به آن پرداخته قوای باطنی نفس است. یکی از قوای باطنی قوه واهمه است که وی از پیش‌تازان طرح این قوه در میان قواست. وی در کتاب‌هایش مانند شفا و اشارات به آن پرداخته و کارکرد آن برای نفس و جایگاه آن را مشخص کرده است. نگارنده در این مقاله به جستاری در نظریات وی پرداخته و کارایی و ویژگی‌های آن را بررسی کرده و به نتایجی در دیدگاه وی در احکام این قوه و قوای نازل آن رسیده و احکام واهمه در انسان و حیوان و مرز جدایی و تمایز فراورده‌های آن را در حیوانات و انسان تحلیل نموده است و داوری منطقی ابن سینا در محصولات این قوه، دروغ و باطل بودن بسیاری از احکام آن را در انسان مورد توجه قرار داده و ملاک داوری‌های مختلف احکام این قوه را در سخنان ابن سینا آشکار کرده است.

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، نفس، قوای باطنی، قوه واهمه، حکم.

A Study of Estimative Faculty from Avicenna's Perspective

Gholamhossein Emadzadeh^{*}

Abstract

Avicenna put the soul and its related issues at the forefront of his philosophical pursuits, and explained them in such a way that the later thinker could not ignore his views in their study of the topic. In his studies, he has dealt with the issues related to internal faculties of the soul in detail. One of these issues that he has introduced is the estimative faculty. He is considered as a pioneer in introducing this faculty among the other soul internal faculties. He has dealt with this faculty, its function for the soul, and its position in his works like *Al Shifa* and *Al Isharat*. The present study aimed to examine Avicenna's views and evaluate their efficiency and characteristics. Based on the results of the study, conclusions are made about the principles of this faculty and its subordinated ones, and also distinctions are made between human beings and animals in terms of the faculty principles, their implications and products. Avicenna's logical judgments in relation to the implications and the falsity and invalidity of a lot of judgment criteria among human beings are identified and the criteria sanctioned by Avicenna are revealed.

Key Terms: *Avicenna, internal faculty, soul, estimative faculty, judgment.*

^{*} Shahid Beheshti University

gh.emadzadeh@gmail.com

Reception date: 400/8/3

Acceptance date: 400/11/12

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۴۰۰
Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی
کد مقاله: ۱۰۶۹
صفحات: ۵۸-۴۱

Doi: 10.52547/jipt.2022.221799.1069

برهان شهود مثل بر اتحاد عاقل و معقول در دیدگاه حکیم سبزواری با رویکرد تبیینی و پاسخ به ایرادها

محمد رضا ارشادی نیا*

چکیده

اتحاد عاقل و معقول از مسائل محوری در حکمت متعالیه به شمار می آید. گرانیگاه اثبات و استنتاج از آن، مرهون توجه ژرف به روش و مبانی خاص حکمت متعالیه است. ادله اثباتی آن دست کمی از خود آن، در فاصله گرفتن از فلسفه متعارف ندارد. در این مسیر، برخی نوپژوهان با ذهنیت اشتراک روشی و مبنایی آموزه اتحاد، در دیدگاه صدرایی با دیگر حکما، به خوانش آموزه و ادله آن پرداخته و به بهانه نقد، نتیجه ای جز تولید شبهه به بار نیاورده اند. حکیم سبزواری بر اساس مبانی ویژه صدرایی دلیلی بر مبنای مشاهده عقول متکافئه به هنگام درک کلیات، بر آموزه اتحاد اقامه کرده که در آن نامی از انگاره «حقیقت و رقیقت» نبرده است. یکی از نوپژوهان سعی کرده به بهانه اعم بودن دلیل از ادعا، از زاویه ناکارآمدی کاربری حقیقت و رقیقت در اثبات آموزه، به جرح و خدش در این دلیل و به تبع آن آموزه اتحاد عاقل و معقول پردازد. واکاوی ادعاها و بیان کیفیت تأثیر انگاره به فرض کاربری آن مورد پرس و جوی این نوشتار است. در این مسیر آشکار می شود که چگونه سطح پژوهی و سایر عوامل همسو سبب شده است، برخی پژوهش ها از مسیر تحقیق بایسته خارج و به مسیر تولید شبهه درباره عالی ترین نظریه پردازی های حکمت متعالیه رهسپار شوند.

کلیدواژه ها: آموزه اتحاد عقل و عاقل و معقول، انگاره حقیقت و رقیقت، شهود کلیات.

The Intuition Argument for the Unity of Intelligence and Intelligible from Hakim Sabzevari's Point of View with an Explanatory Approach and Response to Objections

Mohammadreza Ershadinia *

Abstract

Rational unity is one of the central issues in transcendental wisdom. The weight of its proof and the inferences made on its basis goes to paying careful attention to the method and the specific principles of transcendental wisdom. Its proofs, much like the problem itself, keep distance from conventional philosophy. In this regard, some recent scholars, with the mentality that Sadra's views and those of other theologians share the same method and basis for the doctrine of unity have interpreted the doctrine and its arguments and with the claim of adopting a critical view have produced no result other than creating doubt. Hakim Sabzevari has provided an argument for the doctrine of unity which is based on Sadra's specific principles. His argument is based on observing equivalent intellects when understanding generalities with not mentioning the idea of 'reality and tenuity'. One of the recent scholars, who has tried to claim that the argument is more general than the claim itself, has distorted the argument and consequently the doctrine of rational unity because of the inefficiency of using the reality and tenuity idea in proving the doctrine. The purpose of this article is to analyze the claims and evaluate the quality of the underlying assumptions. It is concluded that studies with no sufficient depth have made some researches go astray and create doubts about the most exalted theories of transcendental wisdom.

Key Terms: *doctrine of unity of intelligence and ineligible, idea of reality and tenuity, intuition of generalities.*

* Hakim Sabzevari University

mr.ershadinia@hsu.ac.ir

Reception date: 400/2/15

Acceptance date: 400/11/17

بررسی سه تقریر نوصدرایی از تبیین ملاصدرا در خصوص نفی شریک از خداوند
حسن احمدی زاده *

چکیده

عدم شراکت ممکنات در اوصاف وجودی و کمالی خداوند، با تحلیل‌های مختلفی در عرفان نظری و فلسفه اسلامی همراه بوده است. حکمای مسلمان در بحث از یگانگی خداوند، مرادشان نفی شریک از خداوند به مثابه واجب بالذات است. از نظر ملاصدرا، شریک نداشتن خداوند بدین معنی است که اساساً فرض شریک هم برای او محال است. این حکم، سایر مفاهیم صادق بر خداوند را هم شامل می‌شود، مانند شیئیت و علم و قدرت. حکمای نوصدرایی تحلیل‌های نسبتاً متفاوتی مطرح کرده‌اند که در این جستار تلاش خواهیم نمود به تبیین و ارزیابی سه تقریر نوصدرایی و میزان قرابت آنها به دیدگاه ملاصدرا توجه نماییم. زنوزی و آقا علی مدرس تلاش می‌کنند تا بر اساس تمایز وجود رابط و مستقل و عین ربط بودن رابط به واجب، و نیز تشابه به مالک و مملوک، نظر ملاصدرا را تحلیل نماید اما در تحلیل علامه طباطبائی، در مفاهیمی که بر خداوند و ممکنات به طور مشترک می‌توان حمل نمود، خداوند از نظر خصوصیت مصداق، شریک و مثل ندارد. کلیدواژه‌ها: نفی شریک، ملاصدرا، وجود رابط، مصداق، نوصدراییان.

Three Neo-Sadrian Interpretations of Mulla Sadra's Delineation of Negation of Associating any Partner with God

Hasan Ahmadizade *

Abstract

In the theoretical mysticism and Islamic philosophy, not associating any partner with God has always been subject to different interpretations. When Muslim philosophers refer to unity, what they mean is negation of associating any partner with God, as the Necessary Existence by Nature (Wajeb-e-Be-ahzat). From Mulla Sadra's point of view, God's having no partner means that it is impossible to assume God with a partner. This extends to include the other attributes of God, like knowledge, power and thingness. Neo-Sadrian thinkers have proposed different interpretations of Sadra's view of associating a partner with God. The present article is an attempt to explain three Neo-Sadrian interpretations and try to show how close they are to Sadra's views. Molla Abdollah Zanzuzi, and Agha Ali Modarres try to explain Sadra's view based on the distinction between Per Se Existence and Per Accident Existence, or the Owner and property, but Allame Tabatabaee believes that in relation to the attributes that are common to God and humans, God has no partner due to the typicality of instance.

Key Terms: *not having a partner, Mulla Sadra, copulative existence, instance, Neo-Sadrian.*

* University of Kashan

hasan.ahmadizade@gmail.com

Reception date: 400/6/21

Acceptance date: 400/12/3

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۴۰۰

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۱۳۸

صفحات: ۷۹-۱۰۲

Doi: 10.52547/jipt.2022.223268.1138

نقد و بررسی اتهام مستشرقان نسبت به خشونت طلبی اسلام و عدم مدارا با پیروان دیگر ادیان (اهل کتاب) متناظر با موضوع جهاد در اسلام

سیدعلی شایگان *

حسن سعیدی **

چکیده

خشونت طلبی و عدم مدارا با پیروان دیگر ادیان و یا عدم توجه به تکررگرایی عقیدتی و دینی، یکی از اتهاماتی است که از جانب بسیاری از مستشرقان همواره در طی تاریخ متوجه قرآن، پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان بوده است. ظهور این اتهام در اندیشه مستشرقان در خصوص اهل کتاب بیشتر در موضوعاتی همچون جهاد و برخورد پیامبر (ص) با مخالفان خود در مدینه و سه طایفه یهودی «بنی قینقاع، بنی النضیر و بنی القریظه» و یهودیان خیبر و فدک و به ویژه شدت مقابله پیامبر (ص) با یهودیان «بنی قریظه» پس از بعثت نبی مکرم اسلام ارزیابی می‌شود. برخی از خاورشناسان اهداف این جنگ‌های پیامبر (ص) را مادی دانسته و موضوعاتی همچون کشورگشایی و سلطه‌گری سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی غارت‌های بدوی را در این اهداف مطرح ساخته‌اند. در واقع بسیاری از اسلام پژوهان غربی ضمن تعریف مفهوم جهاد در اسلام و تهی عنوان نمودن این مفهوم از انگیزه‌های الهی، درک این مفهوم را برای غیرمسلمانان دشوار دانسته و آیات قرآن و رفتارهای پیامبر (ص) را در موقعیت‌های زمانی مختلف متناقض و به دور از منطق عقلایی و متأثر از ضعف و قدرت مسلمانان در ادوار مختلف و عامل گسترش خشونت ارزیابی می‌کنند.

shayganali55@gmail.com
h-saeidi@sbu.ac.ir

* دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

این اتهام مستشرقان که اسلام و پیامبر (ص) را عامل گسترش خشونت و نابردبار در مقابل دیگر اندیشان معرفی می‌کند با فلسفه بعثت پیامبران الهی هم خوانی ندارد چرا که رسالت انبیاء مشخص نمودن حقوق انسان‌ها و برپایی عدل، قسط و صلحی پایدار در میان آنهاست. اصل اولیه در اسلام رعایت حقوق همه انسان‌ها و برقراری ارتباط با همگان مبتنی بر صلح و زندگی مسالمت‌آمیز است. جهاد نیز در اسلام همواره موضوعی دفاعی بوده و همه جنگ‌های پیامبر (ص) در صدر اسلام نیز برای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان صورت گرفته است. بررسی سیر تشریعی جهاد در اسلام گویای رابطه‌ای منطقی در سیره رسول گرامی اسلام متناسب با تعامل یا تقابل یهودیان و مسیحیان با اسلام و مسلمانان است. آنچه مسلم است رسول خدا در ابتدای ورود به مدینه با طوایف یهودی ساکن در مدینه پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز امضاء نمودند و حقوق مادی و معنوی آنان را محترم شمردند و از آنها درخواست کردند که از هرگونه همکاری با دشمنان مسلمانان اجتناب ورزند اما متأسفانه هر سه طایفه یهودی یکی پس از دیگری پیمان شکستند و به مسلمانان خیانت کردند و لذا اخراج دو طایفه یهودی «بنی قینقاع» و «بنی نضیر» از مدینه اقدامی متناسب با خیانت آنها بود و اما آنچه برخی از منابع تاریخی و به تبع آنها مستشرقان در خصوص «بنی قریظه» و کشتار جمعی اسیران ذکور آنها و متهم کردن پیامبر (ص) به افراط در خشونت گزارش شده علاوه بر عدم تطابق با سیره مسلم رسول خدا (ص) و علی (ع) و فروع فقہی و موافقت با مجازات پیمان شکنان در تورات منتخب در بین یهودیان با گزارش آیه ۲۶ از سوره احزاب در خصوص داستان بنی قریظه نیز سازگار نیست.

کلیدواژه‌ها: مستشرقان، خشونت طلبی، عدم مدارا، اهل کتاب، جهاد و مسلمانان.

Critique of Orientalists' Accusations of Violence and Intolerance toward Followers of other Religions (People of the Book) in Islam with Reference to the Concept of Jihad

Sayed Ali Shaygan^{*}
Hasan Saeedi^{**}

Abstract

Violence against and intolerance of followers of other religions or disregard for ideological and religious pluralism is one of the accusations made by a large number of Orientalists against the Qur'an, the Prophet of Islam (PBUH) and Muslims throughout history. The emergence of these accusations in the minds of Orientalists mainly stems from issues such as jihad and the Prophet's treatment of his opponents in Medina and the three Jewish tribes of the Bani Qinqa, the Bani Al-Nadhir and the Bani Al-Qurayzah and the Jews of Khyber and Fadak and especially the Prophet's confrontation with the Jews of Bani Qurayzah after his prophetic mission. Some orientalists have qualified these wars in which the Holy Prophet (PBUH) was involved with worldly desires such as colonization and political, social, cultural and economic domination. In fact, a lot of Islamologists, in their definition of the concept of jihad, have considered it as devoid of divine motives and in this way made it difficult for non-Muslims to understand. They have evaluated the verses of the Qur'an and the behavior of the Prophet (PBUH) contradictory and without rational thought. They are of the view that contradictions which are due to the difference in behavior at times of weakness compared with times of strength are the root cause of the spread of violence. The accusations made by the Orientalists are not in line with the philosophy of the prophetic missions of the divine prophets because the prophets' mission is to determine human rights and establish justice, equality and lasting peace among people. The basic principle of Islam is to respect the rights of all human beings and to communicate with all based on peace and peaceful life. Jihad has always been defensive in Islam and all the wars in which the Prophet (PBUH) was involved in the early days of Islam were fought to defend the territorial lands of Islam and to protect Muslims. The study

of the legislative course of jihad in Islam shows the Prophet's logical stance regarding the interaction or confrontation of Jews and Christians with Islam and Muslims. What is certain is that at the beginning of his arrival in Medina, the Messenger of God signed a covenant of peaceful concord with the Jewish tribes living in Medina, respecting their material and spiritual rights, and asking them to refrain from cooperating with the enemies of the Muslims, but unfortunately all the three aforementioned tribes broke their promise. The Jews broke the treaty one after another and betrayed Muslims, so the expulsion of the two Jewish tribes of the Bani Qinqa and the Bani Nadir from Medina was a measure commensurate with their betrayal. The accusations of some sources on the history of Islam and some Orientalists regarding the Bani Qurayzah and the massacre of the male slaves and accusing the Holy Prophet of extreme violence is consistent with the Torah selected by the Jews regarding violators. However, they are not consistent with the clear stance of the Holy Prophet and Ali (PBUT) and the content of verse 26 of Surah Al-Ahzab about the story of the Bani Qurayzah.

Key Terms: *orientalists, violence, intolerance, People of the Book, jihad and muslims.*

* Shahid Beheshti University

shayganali55@gmail.com

** Shahid Beheshti University

h-saeidi@sbu.ac.ir

تأثیر مبانی کلامی در حل مسئله تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد

محمدحسین فاریاب *

چکیده

مسئله تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد از مسائل بین رشته‌ای میان کلام و فقه است. در این باره، اندیشوران شیعه با اشاعره - که بر عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد پافشاری می‌کنند - اختلاف نظر دارند، از سوی دیگر خود نیز، یکسان نمی‌اندیشند. برخی بر تبعیت مطلق احکام از مصالح و مفاسد تأکید دارند و برخی نیز تبعیت نسبی احکام از مصالح و مفاسد را باور دارند. آنچه این نوشتار در پی آنهاست، در پی نشان دادن تأثیر مبانی کلامی در حل این مسئله است. به نظر می‌رسد برای حل این مسئله باید تکلیف خود را با چهار مبانی مهم کلامی و عقلی روشن کنیم: حسن و قبح ذاتی یا شرعی؛ عدل الهی، هدف‌مندی خداوند در افعال و استحالة ترجیح بلامرجح. نویسنده با نشان دادن چگونگی تأثیر این مبانی در حل این مسئله، در نهایت نظریه تبعیت مطلق احکام از مصالح و مفاسد را برگزیده است.

کلیدواژه‌ها: حسن و قبح ذاتی، عدل الهی، هدف‌مندی در افعال، ترجیح بلامرجح، مصالح و مفاسد، مصالح در افعال الهی.

The Impact of Theological Foundations on the Question of whether Shari'ah Laws Should Follow or Not Follow the Considerations of Common Good and Depravity

Mohammad Hosein Faryab*

Abstract

The question of whether Sharia'h laws should follow or not follow the considerations of common good and depravity is an interdisciplinary issue lying at the intersection of theology and jurisprudence. In this regard, the Shiite thinkers disagree with the Ash'arites, who insist on non-following side of the issue. However, Shiite thinkers themselves are not unanimous in their views on this issue. Some put emphasis on the absolute adherence of the laws to the considerations of common good and depravity, and some believe in the relative adherence of the laws to those considerations. What this article seeks to do is to show the impact of the theological principles on the resolution of this issue. To solve this problem, it seems that we should clarify our position toward the four important theological and intellectual bases: essential and legal good and badness; Divine justice, God's purposefulness in actions and the impossibility of preponderance without there being preponderance. By showing how these principles affect the solution of this problem, the author has ultimately taken side with the theory of absolute adherence of the laws to the considerations of common good and depravity.

Key Terms: *essential good and badness, divine justice, purposefulness in actions, preponderance without there being preponderance, common good and depravity, common good in Divine actions.*

* Imam Khomeini Institute of Education and Research

m.faryab@gmail.com

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۴۰۰

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۱۹۹

صفحات: ۱۴۶-۱۲۳

Doi: 10.52547/jipt.2022.224819.1199

بررسی و نقد آراء آیت الله سبحانی در مورد حقیقت عبادت

سیداحمد هاشمی علی آبادی *

محمدجواد حسن زاده مشکانی **

چکیده

شناسایی اصطلاح عبادت در نظام علمی واژه شناسان سابقه‌ای دیرینه دارد. فرقه وهابیت با تئوری اشتباه در فهم معنای آن، حکم به تکفیر مسلمانان کرده است. در مقابل؛ آیت‌الله سبحانی در اکثر تألیفاتش عبادت را به گونه‌ای دیگر تحلیل کرده است که به حقیقت شرع نزدیک‌تر است. «تبیین تعاریف آیت‌الله سبحانی از عبادت اصطلاحی و نقد و بررسی آنها» مسئله اصلی این مقاله است. ایشان برای عبادت دو رکن درونی و بیرونی برشمرده است. رکن درونی، خضوع و تذلل از سوی عابد است و رکن بیرونی خود، در چهار گروه دسته‌بندی می‌شود. در گروه اول، «الوهیت» رکن است و عبادت به معنای خضوع در برابر اله است. در تعریف دوم، «ربوبیت» رکن است و عبادت به معنای خضوع در برابر موجودی است که خاضع، باور به مدبر و رب بودن او دارد. رکن در تعریف سوم «مستقل بودن» و در چهارم «تفویض» است. عبادت در تبیین سوم، به خضوع در برابر خالق و موجود مستقل تعریف شده و در چهارم، به معنای خضوع در برابر موجودی غیر از خدا همچون بت‌ها، ستارگان، فرشتگان، انبیاء و اولیاء است که امور عالم به آنها تفویض شده است. تعریف نویسنده از عبادت، «اظهار تذلل و انقیاد در پیشگاه رب» می‌باشد که افزون بر جامع بودن، اشکالات تعریف آیت‌الله سبحانی را نیز ندارد. روش مقاله مبتنی بر استقراء کتابخانه‌ای در آثار آیت‌الله سبحانی با روش توصیف و تحلیل مفهومی است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله سبحانی، عبادت، خضوع، الوهیت، ربوبیت.

seyedahmad53@gmail.com

hasanzadeh14630@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۴۰۰/۹/۶ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۱۲/۷

A Critical Study of Ayatollah Sobhani's Views on the Nature of Worship

Seyed Ahmad Hashemi Aliabadi*

Mohammad Javad Hassanzadeh Meshkani**

Abstract

The identification of the term 'Ibadeh' (worship) has a long history in the writings of philologists. The sect of 'Wahhabism', by its misunderstanding of the meaning of worship, has excommunicated the Muslims. In contrast, Ayatullah Sobhani, in most of his works, has presented an analysis of worship, which is closer to the reality of Sharieh (Islamic Law). The present paper aim to examine critically the definition of worship proposed by Ayatullah Sobhani. He believes that worship has two constitutive elements: internal and external. Its internal element is the worshiper's 'Khuzu' (humility) and 'Tathalul' (abjection), and its external element is classified into four groups: in the first group, 'Uluhiyyeh' (deity) is the base, and worship means the humility before Allah; in the second group, the base is 'Rububiyyah' (lordship), and, worship is the state of humility in which a person believes in Allah's Lordship; in the third group, the base is 'independence', and, in the fourth group, the base is "Tafwid" (resignation). In the third group, worship is the humility before God who is the creator and the independent being. In the fourth version, worship is humility before a being other than Allah, such as idols, stars, angels, prophets and God's saints, to whom the affairs of the universe have been delegated. The authors define worship as expressing abjection and obedience before the Divine Lord, which not only is a conclusive definition, but it is also devoid of the defaults of Ayatullah Sobhani's definition. The method adopted for the present study is a descriptive and analytic one.

Key Terms: *Ayatullah Sobhani, 'Ibadeh', 'Khuzu', 'Uluhiyyah', 'Rububiyyah'.*

* Shahid Beheshti University

seyedahmad53@gmail.com

** University of Tehran

hasanzadeh14630@gmail.com